

3 مارس مصادف با تولد الکساندر کراهم بل، مخترع اسکاتلندی تلفن بود. شاید اگر یک روز تلفن خونمون قطع بشه، تازه پی به وجود پراهمیت این وسیله می بریم. تا اسم کراهم بل می آید، من یاد کار تونی می افتم که زمان کودکی از تلویزیون درباره زندگی نامه بل پخش می شد. در 3 مارس 1847 در اینبورگ اسکاتلند کودکی به دنیا آمد که بعدها نامش همواره با یک کلمه عجین شد.

خیلی فکر می کرد شاید قسمت است که پسران خانواده پروفور الکساندر ملویل بل بگی بر اثر سل بمیرند ولی کراهم عمرش به دنیا بود. کراهم کوچولو از سن 10 سالگی شروع به ایراد گرفتن از امش کرد. شاید او هم یک اسم سه قسمتی دوست داشت چرا که در 11 سالگی پدرش راضی کرد که نام او را الکساندر کراهم نام نهد. اما تا آخر عمر سه او را با نام الک می شناختند. شاید اگر John Herdman آنها را نصیحت نمی کرد که به کارهای مفید پردازند امروز تلفن نداشتیم. بل کوچک بعد از تویج شدن توسط همسایه خودشان، جان، به فکر کمک کردن به او افتاد. آن زمان جان در فکر پیدا کردن راهی برای تسهیل آسباب کردن گندم بود. کلید در دستان کودک کنجاق و قهقهه ما بود. الکساندر یک ماشین ساخت که به وسیله پدال، گندم را آسباب می کرد. کار در کارگاه کوچکی که جان راه انداخته بود آغاز شد الکساندر استعداد های دیگری هم داشت. او به سرعت خود را در زمینه هنر و شعر نشان داد. با شوق های مادر و آموزش های غیر رسمی او سریعاً الکساندر به اسادی در خانواده بل تبدیل شد. دیگر همه او را به نام بیانیست خانواده بل می شناختند. به همین خاطر الکساندر روزه روزه مادر خود وابسته تری می شد. هر روز بیشتر از روز قبل!

از سن 12 سالگی مادر الکساندر روزه ناشوایی گذارد. هر روز بر میزبان ناشوایی مادر اضافه می شد. الکساندر بسیار از این واقعه تحت تاثیر قرار گرفت. مادر برای او ارزش بسیار بالایی داشت. بل کوچک شروع به یاد گرفتن یک زبان انگلیسی کرد که باعث شد بتواند صحبتها را به مادر انتقال دهد. کم کم او موفق شد یک نوع تکنیک خاص ایجاد کند که با صداهای خاصی را به راحتی به مادر می فهمید و منتقل کند. کم کم علاقه به مادر، الکساندر را به یک بحث علاقه مند کرد. صدا شناسی! کلاً باید خانواده بل را خانواده سخنوران دانست. پدر بزرگ و عمود هم از اساتید سخنوری بریتانیا بودند. پدر رساله ای درباره اصل سخن با کرو لاله نوشت که در زمان خود یک رساله انقلابی بود. لب خوانی زبانی مانند سانسکریت باعث جاودانگی لب خوانی شد. بعد از تحصیلات در کالج بود که الکساندر یک چیز عجیب شنید. شیخ صبی به نام بارون ولنگانگ فون کمپلن دستکاهی برای شییه سازی صدای انسان ساخته است. الکساندر جوان سریعاً کتابی از فون کمپلن ریافت و دست به ترجمه آلمانی به انگلیسی کتاب زد. بعد از ترجمه بسیار سخت کتاب آنها شروع به ساخت دستگاه کردند. در این قضیه برادر بزرگتر الکساندر یعنی ملویل هم به او کمک می کرد. قسمتهایی مانند نامی، گلو، شش و لب به سختی ساخته شد اما هنوز یک مشکل برای دریافت جایزه ای که پدر تعیین کرده بود وجود داشت. پدرشان گفته بود یک جایزه بزرگ برای آنها تدارک دیده است که اگر بتوانند چنین کاری را بکنند به آنها خواهد داد. ساختن حجمی ای که بتواند حتی چند کلمه صد را تولید کند بسیار طاقت فرسا بود. آنها بعد از هزاران بار تلاش توانست جمله "How are you grandma?" را بیان کنند. البته نتیجه یک ذره اشکال داشت. شاید اگر کسی جمله "Owahogamama" را می شنید اصلاً متوجه منظور نمی شد اما این برای الکساندر 19 ساله تازه شروع راه بود! اولین پیام تلفنی بل با این جمله آقای واتسون بیا اینجا با تو کار دارم آغاز کردید. شاید اگر کراهم بل می دانست که در آستانیک اختراع بزرگی است اولین پیام خود را با یک جمله جالبی شروع می کرد. آن جمله تاز به نخی البته اولین جمله کامل بود که از طریق سیم ارسال شده بود. داستان بل ادامه دارد. در ادامه این داستان بارها شاهد اختراعاتی جالبی از بل خواهیم بود. اتفاقاتی که دیگر برای الکساندر عجیب نبود. او در 29 سالگی تلفن را اختراع کرده بود و دیگر اختراع کردن به جزئی از روحیه او تبدیل شده بود.